

## نقش هویت در صورت‌بندی رزم ایرانی و تأثیر آن بر جنگ آینده

\* حسین ولیوند زمانی

E-mail: hvz42@hotmail.com

\*\* علی ایمانی سطوت

E-mail: e\_setvat@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۹/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۱۸

### چکیده

این مقاله به تحلیل پدیدارشناسانه هویت رزمنده ایرانی و تأثیر آن بر جنگ آینده می‌پردازد. رزم ایرانی از خصلت‌های ویژه‌ای هم‌چون یکتاپرستی، برجستگی دوگانه خیر و شر، معاداندیشی، استشهاده و میهن‌دوستی برخوردار است. این خصلت‌های ویژه ریشه در هویت ایرانی - اسلامی دارد که تأثیری ویژه در جنگ‌های آینده دارد.

در جنگ‌های آینده از آنجا که بر فناوری و انسان تکیه اساسی می‌شود و احتمالاً شکافی جدی به لحاظ فناوری بین کشورها وجود دارد، لذا کارگزار اصلی آن یعنی انسان از اهمیت برخوردار می‌گردد. با محوریت کارگزار انسان، دوگانه هویت - غیریت صورت‌بندی می‌گردد.

مقاله پیش رو به تبیین نقش هویت در صورت‌بندی رزم ایرانی در جنگ آینده می‌پردازد و جنگ آینده را در بستر مواجهه هویت - غیریت بازسازی می‌کند. بنابراین ابتدا هویت تعریف و بازشناسی می‌گردد، سپس خصلت‌های رزم ایرانی که ریشه در هویت ایرانی - اسلامی دارد تبیین می‌گردد.

از آنجا که پدیده جنگ، مواجهه براندازه هویت و غیریت (دشمن) است، لذا اهمیت مؤلفه هویت برای بقاء عیان می‌گردد. این مقاله ضمن بازسازی روش‌شناسانه مؤلفه‌های هویتی رزم ایرانی به تبیین الگوی رزم ایرانی در جنگ آینده می‌پردازد. در این بازسازی بیشتر بر تحلیل هویت حق‌جوی رزم ایرانی و تأثیر آن بر جنگ آینده تأکید خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** هویت، جنگ آینده، ثنویت‌گرایی، رزم ایرانی، توحیدگرایی.

\* دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی، دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، نویسنده مسئول

\*\* پژوهشگر و کارشناس ارشد اندیشه سیاسی، دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

## ۱. مقدمه

جنگ مدرن نماد غلبه ماشین بر انسان و تسخیر بدن انسان با سلطه ماشین است. ویژگی جنگ آینده، پراکندگی قدرت و قرین بودن آن با مقاومت است. هویت نقطه آغازین صورت‌بندی مقاومت است. در جنگ آینده میان هویت و قدرت پیوند مستحکمی برقرار است. قدرت در جنگ آینده از آن کسانی است که انسجام هویتی دارند. با بررسی و پژوهشی که در باب مطالعات مربوط به جنگ، توسط نگارنده به عمل آمده است، به نظر می‌رسد نقش هویت در رزم ایرانی مغفول مانده و میدان وسیعی جهت انجام پژوهشی در این عرصه مفتوح می‌باشد. مؤلفه هویت در رزم ایرانی و برجستگی گفتمان هویت - غیریت در جنگ آینده از اهمیت برخوردار است. انسجام هویتی در تهاجم وسیع مغول‌ها نه تنها گویش، خط و فرهنگ فارسی را حفظ کرد، بلکه این قوم مهاجم و متجاوز جذب فرهنگ و تمدن ایرانی گردیدند و فرهنگ ملی - دینی ایران تا ماوراء شبه قاره هند و سرزمین چین توسعه یافت.

هم‌چنین الگوی مواجهه با دشمن در جنگ‌های آینده، مسئله پیش روی کشورهای مستقل و در عین حال در معرض تهدید است. تغییرات سریع و غیرقابل پیش‌بینی بودن از ویژگی‌های اصلی جنگ آینده است. لذا برآورد وضعیت دشمن، برای کشور در معرض تهدید امری دشوار است؛ از طرف دیگر عدم تقارن در عرصه فناوری و تجهیزات نیز پیچیدگی مسئله جنگ را مضاعف می‌نماید. از این رو، کشور موضوع تهدید باید در پی برجسته‌سازی نقاط قوت خود در راستای بقای ملی باشد. برای غلبه بر عدم تقارن در عرصه فناوری وحدت بیانی و انسجام هویتی واجد اهمیت است. در این جنگ گفتمان نوعی سلاح است و خاصیت هژمونیک دارد، کلمات در مقایسه با گلوله‌ها سلاح بهتری می‌باشند. لذا انسجام گفتمانی نسبت به انسجام ساختاری از اولویت برخوردار است.

این پژوهش در پی برجسته‌سازی مؤلفه هویت ایرانی و نقش آن در جنگ آینده به عنوان نقطه قوت برای غلبه بر دشمن می‌باشد. از آنجا که موضوع جنگ آینده می‌تواند کشورها، دولت‌ها و... باشد، لذا جنگ آینده را با ویژگی درهم تنیدگی فناوری و اطلاعات در نظر می‌گیریم. در این جنگ الگویی از رزم ایرانی مطلوبیت دارد که بر شانه‌های هویت استوار باشد.

بنابراین، هدف اصلی این مقاله تبیین نقش هویت در صورت‌بندی رزم ایرانی و شناسایی جنبه‌های مختلف ملی، دینی و اسطوره‌ای هویت و تأثیر آن بر جنگ آینده است.

سؤال اصلی تحقیق این است که نقش هویت در صورت‌بندی رزم ایرانی چیست و چه تأثیری بر جنگ آینده دارد؟

روش انجام پژوهش به شیوه تحلیل گفتمان است. گفتمان مجموعه‌ای نظام‌مند از روابط است که محصول قالب‌های اجتماعی است. این مجموعه نظام‌مند، روابطی منطقی با یکدیگر دارند. رهیافت تحلیل گفتمان ارتباطی تنگاتنگ با کنش‌های اجتماعی، عقاید و مشی و منش‌های آدمی در زندگی روزمره سیاسی داشته و سعی در درک و تحلیل کنش‌های اجتماعی از طریق کشف مقاصد عامل و کارگزار اجتماعی دارد. آنچه گرایش‌های گوناگون فکری - معرفتی را به صورت یک پیکره همگون و سازواره در درون یک گفتمان جلوه‌گر می‌سازد، مفصل‌بندی نام دارد. به عنوان مثال انقلاب اسلامی به مثابه یک گفتمان از مفصل‌بندی دال‌های شناوری چون «اسلام سیاسی»، «مستضعفین»، و «شاه خائن» سود جست و توانست با تثبیت این دال‌های شناور به قدرت دست یابد.

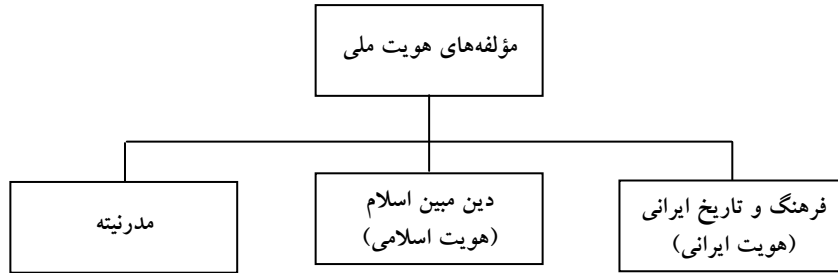
## ۲. تعریف مفاهیم بنیادی

### ۲-۱. هویت

هویت به معنی هستی، وجود، ماهیت و سرشت است؛ ریشه لغوی آن از واژه «هو» گرفته شده است که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می‌شود (معین، ۱۳۷۷: ۶۹). هویت نوعی دیوار حفاظتی است که فرد را از افراد دیگر و جامعه‌ای را از جوامع دیگر متمایز می‌نماید. جلوه‌های مختلف هویت از قبیل (جنسی، قومی، دینی، فرهنگی و صنفی) وجود دارد و هر یک از این جلوه‌های هویتی دلالت‌های بیرونی شخصیت و هویت انسان هستند.

بالاترین سطح هویت، هویت ملی است که رابطه انسان را با کشورش نشان می‌دهد. هویت‌های اجتماعی متعددی وجود دارد اما فقط یک هویت ملی وجود دارد که ساختار آن از بقیه هویت‌ها محکم‌تر است. لازم به ذکر است که با رعایت اصل متدولوژیک «سطح تحلیل» نمی‌توان سطوح هویتی را در مقابل یکدیگر قرار داد. برای مثال هویت قومی در مقابل هویت ملی قرار نمی‌گیرد، زیرا در درون هویت ملی ممکن است خرده‌هویت‌های اجتماعی دیگر بروز نماید. در صورت‌بندی هویت در ایران مطابق نمودار شماره ۱ مؤلفه‌های زیر تأثیرگذارند:

## نمودار شماره ۱: مؤلفه‌های هویت ملی



لازم به ذکر است در نمودار فوق مؤلفه‌های هویت ایرانی و هویت اسلامی برای صورت‌بندی هویت ملی تأثیری ایجابی دارند و مدرنیته چهره‌ای دوگانه از خود بروز داده است؛ به این صورت که گاهی تأثیر سلبی و گاهی تأثیر ایجابی داشته است. از آنجا که هویت در مواجهه با غیریت شکل می‌گیرد، از آغاز قرن نوزدهم میلادی و تهاجم غرب به ایران مدرنیته غربی غیریتی بود که هویت ملی در ایران در مواجهه با آن شکل گرفت و این موضوع از پایه‌های بنیادی بحث در این مقاله است.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که هویت حیات تاریخی و اجتماعی چگونه تداوم می‌یابد؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت به‌طور کلی نظام آموزشی و محتوای آموزشی در یک کشور تأثیر عمیقی بر صورت‌بندی هویت ملی دارد و سقراط اولین کسی بود که در آموزه‌های خود شکل‌گیری هویت را بر اساس رابطه شخصی فرد با خود، دیگری و کیهان تعبیر نمود (گاتلیب، ۱۳۸۴: ۱۸۹). عناصر هویت‌ساز مانند یک نظام در کنار هم قرار می‌گیرند، به‌طوری که این عناصر در تقابل با هم نباشند و بتوانند گفتگویی مسلط به وجود آورند که علی‌رغم تنش‌های سطحی، وحدتی نیز بر آنها حاکم باشد. این آموزش از درون خانواده آغاز می‌گردد و از طریق گروه‌های همسالان، مدرسه، ارزش‌ها و باورهای دینی و اجتماعی و... تداوم می‌یابد. به نظر می‌رسد هویت در ایران در پرتو هسته بنیادین دین و ایرانیت تداوم پایدار داشته است.

## ۳. جنگ آینده

جنگ نوعی اقدام زورمدارانه برای اجبار دشمن به انجام خواست ماست (هالوگ، ۱۳۸۵: ۱۲).

مؤلفه‌هایی هم‌چون جغرافیا، تجهیزات و فناوری و عملیات روانی بر صورت‌بندی جنگ آینده مؤثر است، اما به علت تغییرات سریع در فناوری مدرن امکان صورت‌بندی تعریفی ثابت برای «جنگ آینده» محال می‌باشد، لذا ویژگی‌هایی برای این‌گونه جنگ به شرح زیر تعریف می‌گردد:

الف) کاهش وابستگی به آماد (لجستیک)

ب) تأکید بیشتر بر مانور

ج) اهداف روان شناختی به جای اهداف فیزیکی.

در این جنگ انحصار دولتی بر جنگ از بین می‌رود و دنیایی از فرهنگ‌ها و کشورهای درحال نبرد را می‌توان برای آن تصور کرد. کانون نبرد از خط دشمن به عقبه آن منتقل می‌شود و قبل از طراحی هر نوع عملیات، مجموعه‌ای متفاوت از اطلاعات پنهان مورد نیاز است. اطلاعات انسانی و اطلاعات فرهنگی احتمالاً به همان اندازه اطلاعات فنی حائز اهمیت هستند (جوباگی، ۱۳۸۵: ۵۴). پراکندگی درگیری‌ها و شبکه‌ای بودن صحنه رزم از دیگر ویژگی‌های جنگ آینده است. به میزان گسترش و تکثر میدان جنگ جنبش‌های مقاومت نیز صورت‌بندی می‌گردند. جنبش‌های مقاومت بر محور هویت شکل می‌گیرد و حتی سربازان و نظامیان دشمن را نیز متأثر می‌گرداند مانند مقاومت هویت‌محور در ویتنام.

جنگ آینده با کاربرد گسترده ماشین و استفاده از جنگ‌افزارها و حس‌گرهای خودکار به جای انسان و تبدیل هوش مصنوعی به نماد روابط اجتماعی جامعه فراصنعتی، به دنبال نفی سوژه انسانی است. از دیدگاه فوکو سیاست و قدرت همان جنگ متن‌ها به روش دیگر است. جنگ آینده نیز صحنه رزم ماشین و انسان است؛ دشمنی که باید با آن جنگید تنها نظامی نیست بلکه تشکیلاتی نیرومند همراه با نظام بانکی، رابطه‌ها و متحدان ناشناخته است.

#### ۴. چارچوب نظری

دیدگاه اصلی مقاله این است که گفتمان‌های مسلط هر عصر بر بعد نرم‌افزاری و نیروی انسانی در جنگ آینده تأثیرگذار است. به سخن دیگر جنگ آینده ضمن اینکه بر پایه دانش و فناوری استوار است بر شانه‌های انسان و اجتماع نیز ایستاده است و گفتمان مسلط هر عصر بر صورت‌بندی رزم و جنگ بین انسان‌ها تأثیرگذار است.

در دیدگاه تحلیل گفتمان سطح خودفهمی‌های رزمندگان و معانی و کردارهای

مشترک و بین‌الذهانی آنها بر الگوی جنگ و نتیجه رزم تأثیرگذار است. گفتمان بر رزم بین انسان‌ها حد می‌گذارد، نه اینکه نمایشگر رزم باشد. هویت انسان در هر عصری خود به‌وسیله ساختار گفتمان تعیین می‌شود و بین انسان و جهان همواره پرده‌ای از گفتمان‌ها فاصله می‌اندازد.

همان‌طور که آثار هنری آفریده هنرمندان نیستند، بلکه فرآورده ساختار پیچیده گفتمان فرهنگی غالب در هر عصرند، بعد نرم‌افزاری و انسانی جنگ در هر عصری تابع قوانینی است که محصول گفتمان آن عصر است.

گفتمان به‌عنوان قدرت در هر زمینه چیزهایی را حفظ و چیزهایی را حذف می‌کند. در تحلیل گفتمانی، اسطوره و تاریخ جایگاه شاخصی دارند؛ اسطوره‌ها، نظم و قاعده‌مندی را بر تاریخ و جامعه تحمیل می‌کنند و واقعیت تابع افسانه‌پردازی‌های نظری است. افسانه جنبشی اخلاقی است که به دوره‌ای از تاریخ معنا و مفهوم می‌بخشد و بدین‌سان آن‌را از عرصه آشفتنگی و اغتشاش به حوزه نظم و قاعده‌مندی می‌کشانند و تاریخ جز مجموعه‌ای از این افسانه‌ها نیست. بنابراین کارویژه اسطوره تبدیل تاریخ به طبیعت است (ستاری، ۱۳۷۶: ۳۹).

در تحلیل گفتمانی هویت و جنگ، از رابطه گفتمان هویتی هر عصر با جنگ در آن مقطع بحث می‌شود و به‌ویژه بر اثرات شکل‌دهنده گفتمان هویت بر نرم‌افزار نیروی انسانی تأکید می‌شود.

بنابراین یک وجه بحث حاضر تأثیر گفتمان بر کردار جنگ است. نظریات هویت خود تاریخی دارند و احکام و گزاره‌های آنها در درون ادوار خاص تاریخی معنی می‌دهند و به نوبه خود معنای کردارهای اجتماعی و سیاسی مانند پدیده جنگ را شکل می‌بخشند. بر این اساس گفتمان هویتی ایرانی - اسلامی بر ساخته از دو خرده‌گفتمان هویتی ایران و اسلام به‌علاوه خرده‌گفتمان هویتی غرب به‌عنوان غیریت و دگر گفتمانی بر صورت‌بندی گفتمان هویتی ایران تأثیرگذار است. بدین‌سان تقابل بین گفتمان هویتی ایرانی - اسلامی با گفتمان هویتی غرب از پایه‌های بحث این مقاله است.

##### ۵. بررسی محیط تحقیق

محیط تحقیق، جغرافیای سرزمینی و فرهنگی ایران است؛ در این محیط تحقیق گروه‌های گوناگون با تکیه بر زبان فارسی به‌عنوان عامل بنیادین وحدت و پویایی حوزه فرهنگی ایران، دین اسلام و دولت ایرانی، هویت ایرانی - اسلامی را تداوم بخشیده‌اند.

## ۶. گفتمان‌های هویتی در ایران

### ۱-۶. گفتمان هویتی ایرانی

گفتمان هویتی ایرانی در محیط ویژه‌ای شامل ارزش‌ها، هویت و تشخیص ملی، فرهنگ سیاسی، سنت‌های تاریخی جامعه ایرانی، مقتضیات ساختاری (شکل حکومت، سطح صنعتی شدن، جغرافیای سرزمینی) و امور فرهنگی و اجتماعی خاصی که در همه‌ا زمانه از اهمیت برخوردارند، صورت‌بندی می‌گردد.

راز و رمز پایایی و پویایی ملت‌ها ریشه در عمق، غنا، گستردگی و هژمونی گفتمان هویتی آنان دارد. دین، زبان، اسطوره، ادبیات، سرنوشت مشترک تاریخی و آثار و مفاخر علمی، ادبی و فرهنگی از عناصر مفصل‌بندی گفتمان هویتی یک ملت است که سرچشمه وحدت روحی آنان محسوب شده و پاسداشت، تعمیق و گسترش آن نیازمند توجه، پایمردی و فداکاری است.

گفتمان هویتی ایرانی مطابق نمودار زیر است.

#### نمودار شماره ۲: مؤلفه‌های هویت ایرانی



### ۱-۱-۶. اسطوره‌های ایرانی

اسطوره‌ها نظم و قاعده را بر تاریخ و جامعه تحمیل می‌کنند. افسانه جنبش اخلاقی است که به یک دوره از تاریخ معنا و مفهوم می‌بخشد و بدین‌سان از عرصه آشفتگی و اغتشاش به حوزه نظم و قاعده می‌کشاند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۲۸).

تاریخ اساطیری ایران باستان هسته جان‌سخت گفتمان هویتی ایران امروز است. بنا به تاریخ اساطیری، حیات سیاسی ایران در آغاز سه هزار سال سوم حیات بشر، پس از سی سال پادشاهی کیومرث به عنوان نخستین انسان و دوران پادشاهی جمشید، شخصیت بسیار محبوب و گرانمایه که مردم نه سده بی‌مرگی و فناپذیری را تجربه می‌کنند، آغاز می‌گردد. پاسداشت خجسته عید نوروز در آغاز ورود خورشید به برج حمل از سوی مردمان این منطقه یادگار اسطوره‌ای این مرز کهن است (خدایار، ۱۳۸۴: ۳۶).

پهلوان مسلکی، دادگری و رواداری از عناصر اصلی اسطوره ایرانی است. قسمت عمده‌ای از ادبیات عامه همچون رستم‌نامه، شاهنامه به ترسیم چنین منظومه‌ای از اسطوره ایرانی می‌پردازد. رستم شاهنامه، اسطوره‌ای از پهلوانی و آرمان جوانمردی ایران باستان است. هم‌چنین جمشید اسطوره‌ای از فرمانروایی نیک است که وقتی این عدالت، میانه‌روی و رواداری فراموش می‌شود ضحاک ماردوش به عنوان اسطوره زشتی و ظلم بر این سرزمین حاکم می‌گردد.

#### ۶-۱-۲. میراث کهن فرهنگی

آزادگی افق اصلی شناخت ارزش‌های ایرانی است. هوشمندی، هنرورزی، امنیت، خردمندی، اعتبار و شأن فرزندگان، رایزنی و دستگیری از مستمندان، ترویج راستی و پرهیز از دروغ، انسان‌دوستی، محبت و مهربانی، پیدا کردن سودمندی‌ها، رام کردن طبیعت، هدایت مردم به راه نیک، دفع دشمنان آنان و بالاخره شادی افراد جامعه و ترویج جشن‌ها و سنت‌های جمعی جامعه از جمله ارزش‌های تاریخی ایرانیان است (بهار، ۱۳۷۳: ۳۴).

امپراتوری کوروش و داریوش نمونه‌ای از رواداری فرهنگی است و با تأمل در آن درمی‌یابیم که مملکت تنها با قدرت نظامی و حتی با نظارت چشم و گوش بر پا نمی‌ماند و احتیاج به تفاهم و تسامح نیز هست و این تسامح کوروشی بی‌شک اسباب سرفرازی تاریخ ایران است.

تضاد دائمی خیر و شر، فقر و غنا، نور و ظلمت از عناصر ذاتی هویت فرهنگی ایرانیان در طول تاریخ است. خصلت دگربینی و دگرسازی از خصلت‌های تاریخی گفتمان‌های مسلط بر جامعه ایرانی در دوره‌های مختلف بوده است. این غیریت‌سازی طیف وسیعی از مفاهیم، از تمایز و رقابت تا طرد و سرکوب خشونت‌بار را در بر می‌گیرد و لبریز و سرشار از دوانگاری‌های متضادی همچون ایران انیران است.

گفتمان مسلط بر جامعه ما، وامدار و باردار چنین کردار، پندار و رفتار دگرسازی است. این دوانگاری در همین سطح و به صورت تک خطی بیگانه ستیز و استقلال‌گراست، در هنگام مواجهه با دشمن تعمیق می‌یابد و تکثیر می‌گردد. این دگرسازی در سطحی پیشرفته‌تر ملازم با حذف و طرد دگر خارجی است.

#### ۶-۱-۳. پدیده دولت ایرانی

دولت و میراث سیاسی ایرانیان از مؤلفه‌های مهم هویت ملی در ایران است. الگوی حکمرانی در ایران که طی ۱۲ قرن تشکیل دولت در ایران شکل گرفته بود، به‌عنوان



گفتمانی برتر خود را به سلسله‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس تحمیل نمود و به‌عنوان یک مؤلفه هویت ملی تداوم حیات و انسجام ملی ایرانیان را تسریع نمود. بدین‌سان دیوان‌سالاری کهن ایرانی به‌عنوان یک مؤلفه بنیادین دولت در خلافت اموی و عباسی بازتولید گردید و تداوم‌بخش هویت ملی ایرانیان گردید (فرای، ۱۳۶۳: ۱۷).

پدیده دولت ایرانی درعین‌تکثر موجود در نظام ساتراپی زمان هخامنشیان از پایداری برخوردار بود. فرمانروای واحد (رهبری واحد ملی) و یکپارچگی جغرافیایی از الزامات دولت ملی در ایران باستان بوده است. لذا در سراسر شاهنامه هیچ دوره‌ای نیست که ایران فاقد پدیده دولت باشد. از آغاز شاهنامه تا دوران فریدون فرمانروایان ایران بر کل جهان و از آن زمان به بعد بر ایرانشهر فرمان می‌راندند.

دولت صفوی با رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع و غلبه گفتمان تشیع در ایران مهم‌ترین گام را در راستای یکپارچگی سیاسی در ایران برداشت و از جنوب روسیه (داغستان) تا جزایر خلیج فارس و از کابل تا بغداد در چارچوب حاکمیت ملی ایران و مذهب تشیع منسجم گردید.

پدیده دولت ایرانی از آغاز قرن نوزدهم نیز از ظرفیت تداوم حیات سیاسی و اجتماعی برخوردار بود و توانست هویت ذاتی خود را حفظ نماید. بعدها در انقلاب مشروطیت پدیده دولت ایرانی خصلتی نیمه مدرن یافت و تداوم خود را در قالب دولت شبه مدرنیستی پهلوی ادامه داد.

خصلت استبدادی دولت ایرانی جدی‌ترین نقدی است که بر آن وارد است. این خصلت در مقابل گفتمان عدالت‌محور و توحیدگرای اسلام نیز مقاومتی نرم و گفتمانی داشته است و حداقل تا ظهور پدیده انقلاب اسلامی و غلبه گفتمان جمهوری اسلامی به حیات گفتمانی خود ادامه داده است.

#### ۴-۱-۶. جغرافیای سرزمینی

جغرافیا ظرف هویت ایرانی است و شاخص ملموس و عینی آن محسوب می‌گردد. اما چارچوب جغرافیایی هویت هیچ‌وقت به اندازه امروز مورد چالش قرار نگرفته است و ظهور واژگانی مانند جهانی شدن، وابستگی متقابل و فراملی‌گرایی و ظهور دشمن فرامنطقه‌ای معرف این وضعیت است.

جغرافیای سرزمینی متن پرورش دهنده ذهنیت‌ها، برداشت‌ها و حتی معماری است. اندیشمندانی مانند ابن خلدون، مونتسکیو، راتزل و هگل از جمله کسانی هستند که تأثیر

شرایط طبیعی زمین بر فرهنگ و هویت انسانی را بسیار برجسته و چشمگیر می‌بینند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۴: ۸۸).

بر اثر وضعیت و موقعیت طبیعی بود که فرهنگ، زبان و تمدن و اندیشه ایرانی بر ملل مجاور گسترش یافت. ایرانیان عناصر مثبت و سودمند را از تمدن همسایگان برگرفتند و ضمن نشر فرهنگ خود در عالم، موارد مثبت و رهایی‌بخش را وام گرفتند و بسیاری از این تعاملات، حاصل موقعیت جغرافیایی ایران بوده است (صفا، ۱۳۷۵: ۱۵). موقعیت جغرافیایی ایران سبب شد تا هنرهای متعددی مانند بافندگی (فرش، قالی و حریر)، فلزکاری، قلم‌زنی و اقلامی چون نساجی و خشکبار و آرد از ایران به جهان عرضه شود. البته موقعیت جغرافیایی تهدیدی برای امنیت و هویت ایرانی نیز بوده است. لذا در معرض طمع بودن، هوش سرشار نخبگان حاکم را می‌طلبید که تهدیدات را به فرصت تبدیل نمایند.

به‌طور کلی در جغرافیای سرزمین ایران بین سه کلیدواژه جغرافیا، جنگ و مردم پیوند وجود دارد و موجودیت درازآهنگ جغرافیایی ظرف ضروری تداوم هویت تاریخی محسوب می‌گردد. انسجام مذهبی از دوران صفویان تاکنون در صورت‌بندی اتحاد مردمی در پهنه جغرافیای ایران و برای تداوم هویت ملی تاکنون تأثیر نهان و آشکار داشته است.

#### ۶-۱-۵. زبان فارسی

زبان فارسی عامل بنیادین هویت ملی، وحدت و پویایی حوزه فرهنگ ایران است. زبان فارسی به عنوان مهمترین جریان فرهنگی معرف پیشینه بسیار کهن فرهنگ ایران است که با توانمندی در مقابل امواج فرهنگی بیگانه توان مقاومت دارد. در هنگام حمله اعراب به آسیای مرکزی، فاتحان ناگریز از آن گشتند که اجازه دهند که «سغدیان»، نماز را موقتاً فارسی به جا آورند (ورجاوند، ۱۳۸۱: ۱).

همه جمهوری‌های آسیای میانه به جز گرجستان و ارمنستان از کهن‌ترین دوران‌ها تا زمان سلطه کمونیستی خطی جز فارسی نداشته‌اند. از حدود ۱۳۰ میلیون نفر جمعیت ایران، افغانستان و جمهوری‌های آسیای میانه نزدیک به یکصد میلیون نفر به زبان فارسی، فارسی دری و تاجیکی صحبت می‌کنند و بیش از دوازده سده است که به فارسی می‌نویسند و سخن می‌گویند. نزدیک به سی هزار نسخه خطی و کتاب چاپی به زبان فارسی در زمینه‌های مختلف در ایران، هند و پاکستان وجود دارد (ورجاوند، ۱۳۸۱: ۶). زبان فارسی در گذشته نه چندان دور از چنان قدرت جهانی برخوردار بود که دایره

نفوذ آن از یک سو تمامی آسیای کوچک را تا شاخ زرین در بسفر در بر می‌گرفت و از سوی دیگر بر تمامی شبه قاره هند پرتو می‌افکند. لذا زبان فارسی، واحد ممتاز هویت‌بخش در عرصه ملی در ایران است. این زبان کهن به نفوذ معنوی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد منطقه جغرافیایی سیاسی تازه‌ای مرکب از قفقاز، ایران، افغانستان و جمهوری‌های آسیای میانه مدد می‌رساند و می‌تواند با قرار دادن این کشورها در کنار پاکستان اتحادیه‌ای عظیم و قدرتی بزرگ برای کشورهای منطقه به ارمغان آورد.

## ۲-۶. گفتمان هویت اسلامی

دین مؤلفه بنیادین هویت در ایران است و حیات آن به پیش از اسلام باز می‌گردد. در میان ایرانیان دین‌گرایی بسیار عمیق، ریشه‌دار و پایدار است. خداگرایی، معنویت‌طلبی، و دینداری گفتمان غالب در حیات سیاسی و اجتماعی ملت ایران در طول قرون و اعصار بوده است. در هر دوره‌ای عموماً یک گفتمان مرکزی وجود دارد و همین گفتمان، خود خرده‌گفتمان‌هایی را برای حفظ و صیانت نظام گفتمانی به‌وجود می‌آورد. بنای گفتمان هویتی در ایران بر «انگاره‌های دین و معرفت قدسی» است که در هر دوره‌ای در قالب پارادایمی خاص خود را باز تولید می‌نماید. بنیاد این گفتمان بر نگرش توحیدی است. قسمت‌های اسطوره‌ای و پیشدادی، پهلوانی و تاریخی این گفتمان بر اساس نبرد همیشگی و مداوم خیر و شر است.

با تعمیق و گسترش اسلام در ایران شاهد غلبه گفتمان هویتی اسلامی هستیم. این غلبه گفتمانی در هر دوره‌ای در قالبی خاص باز تولید گردیده است و سایر مؤلفه‌های موجود و قوام‌بخش هویت ملی در سایه آن قرائت شده است. بنابر همین تمرکز است که مقولاتی چون ملیت و ایرانیت تنها در صورت عدم تعارض با اسلام از شایستگی توجه به عنوان مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های هویت ملی مطرح می‌گردد.

گفتمان هویتی اسلامی در ایران در افکار اندیشمندان چون علامه طباطبایی، مطهری، شریعتی، طالقانی و... به‌ویژه در افکار و اعمال امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر فکری و عملی انقلاب اسلامی شکل گرفت (میرسپاسی آشتیانی، ۱۳۸۶: ۶۶). این تداوم گفتمان هویتی اسلامی از یک سو مقارن با رواج اندیشه انتقادی نسبت به غرب در میان اندیشمندان ایرانی و از سوی دیگر هم‌زمان با تحولات اساسی در ساختار تشیع و در واقع تجدید حیات شیعه بود. آن هم درست در زمانی که ناکامی برنامه‌های نوسازی غرب گرایانه پهلوی روز به روز آشکارتر می‌شد. در چنین شرایطی از پیوستن این

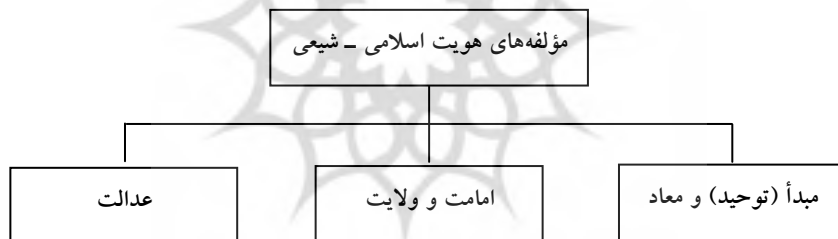
جریان‌ها به یکدیگر بود که غلبه گفتمان هویتی اسلامی با تحقق انقلاب اسلامی در مصدر حاکمیت سیاسی قرار گرفت.

گفتمان هویتی اسلامی دارای یک جنبه سلبی است که گفتمان غرب‌گرایی را به چالش می‌طلبد و دارای یک وجه ایجابی است و آن تجدید حیات تشیع در ایران است. تجدید حیات تشیع در ایران نتیجه یک فرایند طولانی بود که از دوران صفویه آغاز شد و به‌ویژه در دوران قاجارها به دلیل نقش‌آفرینی مرجعیت تشیع در حرکت‌های ضد استعماری، یا نگرش انتقادی نسبت به غرب و اندیشه بازگشت به خویشتن پیوند یافت (عنایت، ۱۳۵۳: ۴۳).

۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و تحولات پس از آن شروع اعتبارزدایی از گفتمان غرب‌گرای حاکم، و در نتیجه گسترش اندیشه انتقادی نسبت به غرب از یک سو، و تجدید حیات شیعه و به دست گرفتن رهبری نهضت مقابله با گفتمان مذکور از سوی دیگر بود (میرسپاسی، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

امام خمینی (ره) بعدها حاکمیت گفتمان هویتی اسلامی را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «باید این فرم غربی برگردد به فرم اسلامی، تا حالا همه چیزمان را تقریباً بگوییم غربی بود، همه چیز غربی بود، حالا باید بعد از اینکه ما دست آنها را کوتاه کردیم ... توجه داشته باشیم که خودمان کی هستیم و چی هستیم» (صحیفه نور، ۱۳۷۱: ۱۱۰).  
گفتمان هویتی اسلامی در ایران در قالب گفتمان تشیع بازتولید گردید. در گفتمان هویتی تشیع دو عنصر امامت و عدالت به‌عنوان عناصر اصلی مفصل‌بندی این گفتمان از اهمیتی خاص برخوردار است.

نمودار شماره ۳: مؤلفه‌های هویت اسلامی - شیعی



۶-۲-۱. امامت

اصلی‌ترین وجه تمایز تشیع با سایر فرق و مذاهب اسلامی باور به نصب امام از سوی شارع مقدس است، شارحان این اندیشه حلقه اول یاران رسول‌الله (ص) همچون

عمار یاسر، حجر بن عدی و... می‌باشند که در جریانات مابعد سقیفه خواهان ولایت علی (ع) به‌عنوان امام اول شیعیان بودند. از آن تاریخ به بعد رویکرد تشیع به تاریخ صدر اسلام انتقادی بود و گفتمان انتقادی تشیع خط خود را ادامه می‌داد تا اینکه در سال ۶۳ هجری قمری امام سوم شیعیان در یک مواجهه نابرابر با نظام حاکم اموی به شهادت می‌رسد و از این تاریخ کلیدواژه شهادت جایگاهی خاص در ادبیات مذهبی شیعیان می‌یابد. بنابراین باور به عصمت امام و نصب از سوی شارع مقدس حس اطاعت‌ورزی مؤمنانه را در درون شیعیان شعله‌ور نمود و شهادت وجهی کارکردگرایانه، سیاسی و ایدئولوژیک به اندیشه شیعی داد. حادثه عاشورا اوج قله شهادت به حساب می‌آید و لذا ملاحظه می‌گردد تفسیری که شریعتی از سوگواری و عاشورا ارائه می‌نماید دارای مضمونی انقلابی است و این تفسیر نقشی مهم در ارائه هویتی مبارزه‌جو از تشیع می‌دهد:

«سوگواری برای طرح مداوم جنگ تاریخی شیعه و عاشورا برای نشان دادن راه‌کار پاسخ گفتن به این پرسش همیشگی چه باید کرد؟ و تعیین شکل مبارزه با حکومت جور و سرپیچی از بیعت ظلم و طرح تسلسل پیوسته تاریخ و اعلام جنگ انقطاع‌ناپذیر میان وارثان آدم و وارثان ابلیس و تعلیم این واقعیت جاری که اسلام حاضر، اسلام قاتل است و در جامه سنت و اسلام راستین اسلام غایب است در ردای سرخ شهادت» (شریعتی، ۱۳۵۹: ۷).

در طول دوران هشت ساله جنگ تحمیلی، باور به اصل امامت که در قالب رهبری امام خمینی (ره) تعیین یافته بود و هم‌چنین کلیدواژه شهادت نقشی ممتاز در هویت‌یابی رزمنده ایرانی ایفا نمود. این گفتمان هویتی شهادت‌طلبانه از عناصر مقوم رزم ایرانی در جنگ آینده است.

#### ۶-۲-۲. عدالت

اساساً قبول مسئله «عدالت» به منزله یک اصل در نزد شیعیان، روان‌شناسی و تلقی دینی خاصی به همراه داشت و خودانگیختگی، تحریک‌پذیری، میل به فداکاری و آرمان‌خواهی آنان مدیون همین امر است. کلیدواژه عدالت در گفتمان هویتی تشیع در زمان خلفای اموی و عباسی که به نام دین حکومت می‌کردند و اعتقاد به نظام سیاسی وقت را شاخص اسلام و کفر قرار داده بودند، تعیین خاصی پیدا نمود. آنان حتی به نام دین، نوه گرامی پیامبر خاتم (ص) را با فتوای شرعی یک قاضی حکومتی به خروج از امت رسول خدا (ص) متهم و به مرگ محکوم نمودند. فرمانده سپاه یزید هنگام صدور فرمان حمله، سپاهیان خود را بشارت جنت می‌داد. در اینجا تشیع هوشمندانه شاخص

حکومت سالم از ناسالم را عدالت و ظلم تعریف می‌کند. گفتمان هویتی تشیع دین بدون دادگری را دین نمی‌داند. امام حسین(ع) از آن رو قیام علیه یزید نمود که شرعاً نباید تن به ولایت جائر داد و شناخت حاکم ظالم و جائر در اندیشه تشیع تقلیدی نیست بلکه به حکم عقل است.

میل به عدالت، انگیزه عظیمی جهت کارکردی شدن اندیشه تشیع ایجاد می‌نماید. شاخص عدل/ جور همواره انگیزه لازم مبارزه را در تاریخ تشیع ایجاد نموده است. در جنبش‌های تاریخی تشیع همواره عدالت‌خواهی و مبارزه با دستگاه جور یک مطالبه اصلی بوده است، در انقلاب اسلامی نیز که جلوه‌ای از هویت‌یابی گفتمان تشیع است عدالت‌خواهی از شعارهای بنیانی انقلاب بود. لذا عدالت‌خواهی عنصر مقوم هویت ایرانی - شیعی در جنگ آینده است.

### ۳-۶. گفتمان هویتی غرب

گفتمان هویتی «غرب» حامل مفاهیمی اساسی چون «اومانیزم»، عقل‌گرایی، لیبرالیسم، فردگرایی، برابری، آزادی، کارگزاری تاریخی انسان، داعیه معرفت انسان و اصل ترقی و پیشرفت بی‌حد و حصر آن است (بشیریه، ۱۳۷۸: ۴۴۷) که از دوران رنسانس در فکر و فرهنگ مغرب‌زمین شکل گرفته و مورد توجه قرار گرفته‌اند.

با اومانیزم، بشر اصالت یافته و موضوعیت پیدا کرد و محور و دایرمدار امور کائنات شد تا با بریدن از عالم قدسی، تاریخ جدید را در پرتو استیلا بر تمام عالم رقم زند (اخوان مفرد، ۱۳۷۶: ۲۶۲). اولین بروز عینی استیلاگرایی گفتمان هویتی غرب در تجاوزات روسیه به ایران در آغاز قرن ۱۹ میلادی عیان گردید. ایرانیان که روزگاری پیش‌تر (مقارن با آغاز تجدد در اروپا) از بسیاری جهات همپای رقیب تازه‌نفس بودند هم‌اکنون متوجه شکاف ژرف با اروپای متجدد گردیدند و تلاش عباس میرزا برای فرستادن گروهی از ایرانیان به اروپا پاسخی به این ضرورت بود.

کسانی که به اروپا رفتند تحت تأثیر مظاهر تمدنی غرب (گفتمان هویتی غرب) قرار گرفتند؛ غرب آنقدر برای نخبگان ایرانی حیرت‌آور و خیره‌کننده بود که برخی از آنها حتی بر سفرنامه خود عنوان «حیرت‌نامه» گذاشتند (ر.ک: شیرازی، ۱۳۶۴).

ادامه این روند از دوران فتحعلی شاه تا دوران ناصرالدین شاه منجر به ظهور پدیده جدید «منورالفکری» در ایران گردید و ظهور تدریجی این جریان اجتماعی و تفاوت برداشت‌ها نسبت به غرب موجب ظهور گفتمان غرب‌گرایی در ایران شد.

این گفتمان در یک رویارویی آشکار در مواجهه با هویت بومی ایرانی - اسلامی بود. این رویارویی نه صرفاً به واسطه عناصر ذاتی این گفتمان بلکه به واسطه ویژگی غیریت‌ساز این گفتمان بود، زیرا گفتمان هویتی ایرانی - اسلامی بر مؤلفه‌هایی چون کرامت انسان، آزادی، دادرزی، عقل‌گرایی مهر تأیید می‌ورزد.

انقلاب مشروطه نقطه تلاقی سه گفتمان هویتی ایرانی، اسلامی و غربی (غرب‌گرایی) محسوب می‌شود که نتیجه آن رویارویی گفتمان غرب‌گرایی با عناصری از گفتمان هویتی اسلامی بود. هر چند در این دوران نهادهای مدرنی چون مجلس شورای ملی در مصدر امور حکومتی قرار گرفتند، اما نتیجه این رویارویی گفتمانی ظهور دولت استبدادی و شبه مدرن رضا خان بود. گفتمان پهلویسم بر تلفیق عناصری از گفتمان غرب‌گرایی چون صنعتی شدن، ارتش مدرن، ضدیت هیستریک با مذهب و نهادهای مذهبی و عناصری از گفتمان هویتی ایرانی هم‌چون باستان‌گرایی ایرانی تأکید داشت. این گفتمان غیریت خود را هویت اسلامی قرار داده بود و در راستای این غیریت‌سازی گفتمانی به حذف عناصری چون اعراب، اسلام و روحانیت به عنوان مؤلفه‌های این گفتمان هویتی مبادرت می‌ورزید.

سازماندهی دستگاه اداری و نظامی بر اساس الگوهای غربی، سرمشق‌گیری از مدل اقتصاد ارشادی آلمان و تلاش برای صنعتی کردن کشور، گسترش شهرنشینی و شهرسازی، راه‌آهن و تأسیسات تمدنی جدید - در کنار حرکتی که در بعد سیاسی و فرهنگی جهت جدایی دین از سیاست، غیردینی کردن آموزش و دادگستری، تداوم روند اعزام دانشجویان به خارج، تغییر تقویم قمری به شمسی و بسیاری از اقدامات دیگر که در جهت نفی فرهنگ و هویت اسلامی انجام می‌شد - زمینه تقابل گفتمانی این دو گفتمان را فراهم ساخت.

## ۷. تجزیه و تحلیل محیط تحقیق

نقطه بنیانی ظهور گفتمان غرب‌گرایی در ایران در حقیقت با ظهور یک جنگ در آغاز قرن ۱۹ میلادی بود (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۳)؛ جنگی که در آن عدم تقارن تجهیزاتی و فناوری آشکار بود. این جنگ الگویی از مواجهه گفتمانی غرب از یکسو و گفتمان ایرانی - اسلامی از سوی دیگر بود.

«جنگ آینده» در دو عرصه سخت<sup>۱</sup> و نرم<sup>۲</sup> امکان ظهور خواهد داشت. کلید واژه

1. Hard power

2. Soft power

«جنگ نرم» مکمل جنگ سخت با استفاده از جنگ‌افزار است. در جنگ نرم، تحلیل، اطلاع‌رسانی و عملیات روانی جای موشک و بمب را می‌گیرد. محیط جنگ نرم فرهنگ و هدف آن سلطه بر ذهن دشمن است. در این الگوی جنگ صرفاً نیروی انسانی کشورهای هدف، موضوع جنگ نرم نیستند و ممکن است مخاطب و هدف این عملیات مردم کشور خودی نیز باشند. از جمله نمونه برجسته این عملیات روانی، مثلث افکارسازی آمریکا شامل رسانه‌ها، وزارت خارجه و مؤسسات نظرسنجی مانند گالوپ است که بر افکار عمومی آمریکایی‌ها علیه کشورهای هدف تأثیر می‌گذارد (اندیشگاه شریف، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

در جنگ نرم دشمن در پی فعال‌سازی شکاف‌های اجتماعی است. قومیت‌ها، جنسیت‌ها و مذاهب از جمله اهداف دشمن در پدیده فعال‌سازی شکاف‌هاست. تضعیف بنیادهای نظام سیاسی و فعال کردن شکاف‌های سیاسی از دیگر اهداف در جنگ نرم است. در جنگ نرم آینده دشمن در پی فعال کردن و عمیق نمودن شکاف دولت با نظام بین‌المللی است (نامه دفاع، ۱۳۸۶: ۵۹).

فضای مجازی عرصه‌ای دیگر از صحنه جنگ نرم در آینده است. گسترش روزافزون فناوری جدید ارتباطاتی در سال‌های اخیر که محصول طبیعی موج سوم تجدد است، تمام جنبه‌های فرهنگی و حیات اجتماعی را با چالش مواجه نموده است. امروزه گروه‌های مجازی با مرزهای مختلف جایگزین گروه‌های دارای مرزهای هویتی گذشته شده‌اند. با نفوذ فزاینده اینترنت، امکان اشتراک در تجارب گروه‌های مختلف ایجاد شده و از منظر سخت‌افزار ارتباطی، تعداد سایت‌ها و فناوری‌های وابسته به آنها نیز گسترش یافته است. هر فردی می‌تواند بخشی از این فضا را در اختیار داشته باشد و به نشر آراء و عقاید خود بپردازد. اما این فضای مجازی خطری برای حاکمیت‌ها و جوامع است (نامه دفاع، ۱۳۸۶: ۶۳).

جنگ آینده تلفیقی از ابزارها و تجهیزات سخت‌افزاری و ابزارآلات جنگ نرم می‌باشد. گفتمان تجدد غربی که در پی بسط سلطه بر غیر هویتی خود است با ابزار فوق در جنگ آینده ظاهر می‌شود. جنگ آینده بر محورهای هویت، فناوری، عملیات روانی، کوتاه بودن زمان عملیات و جغرافیا و هم‌چنین ائتلافی بودن با محوریت یک قدرت فرامنطقه‌ای استوار است.

به نظر می‌رسد برای مواجهه با دشمن در جنگ آینده، به فعلیت درآوردن خصلت‌های رزم ایرانی، مبتنی بر گفتمان هویتی ایرانی - اسلامی از مطلوبیت برخوردار می‌باشد.

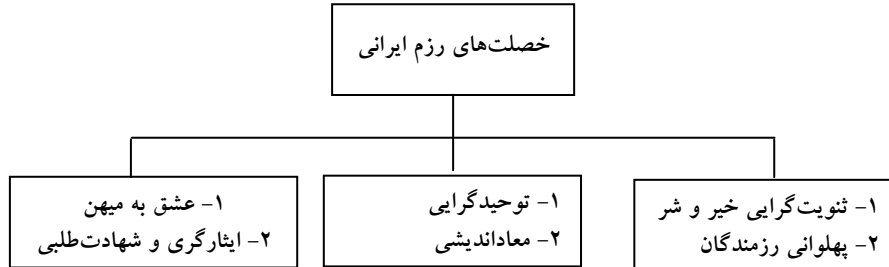


### ۸. خصلت‌های رزم ایرانی

رزم ایرانی تا به حال در پژوهش‌های علمی در ایران تعریف نشده، اما ویژگی‌های زیر را می‌توان برای آن متصور شد:

- ۱- موحد بودن مبارزان ۲- پهلوانی بودن رزم ۳- فداکاری برای میهن ۴- تمدنی بودن آیین رزم (رجایی، ۱۳۸۵: ۶۲).

نموار شماره ۴: خصلت‌های رزم ایرانی



#### ۸-۱. ثنویت‌گرایی خیر و شر

تقابل خیر و شر اصلی‌ترین آموزه رزم ایرانی است. این رویارویی که به نبردی کیهانی می‌انجامد، تمامی حدود و غایت زندگی انسان را مشخص ساخته و اصلی‌ترین نگره خرد سیاسی ایرانیان باستان است. نبرد ازلی خیر و شر یک اصل است، این نبرد کیهانی به تاریخ بشری نیز رسوخ می‌کند و همواره دشمن به نیروهای شر منتسب است (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۲۵).

خصلت دگربینی و دگرسازی یکی از خصلت‌های تاریخی گفتمان‌های مسلط بر جامعه ایرانی در دوران‌های مختلف بوده است. این غیریت‌سازی طیف وسیعی از مفاهیم، تمایز و رقابت تا طرد و سرکوب خشونت‌بار را دربرمی‌گیرد و لبریز از دو انگاری‌های متضادی همچون ایران/ انیران، خیر/ شر و نور/ ظلمت است. مفصل‌بندی گفتمان‌های حاکم بر روایت اسطوره‌ای تاریخ ایران باستان و ایران بعد از اسلام حاکی از این ثنویت‌گرایی خیر و شر است. دوگانه‌گرایی یک منظومه فلسفی در اندیشه ایرانیان است؛ از دوگانه اهورا/ اهریمن در مبدأ تا دوگانه بهشت/ جهنم در معاد. دوگانه پهلوانی ایرانیان نیز در قالب رستم/ اسفندیار باز تولید می‌گردد. جبهه خیر سرشار از صداقت، عدالت، راستی و شجاعت است و جبهه شر نماینده زشتی، دروغ و هم‌آوایی با اهریمن است. در اسلام نیز این اندیشه ثنویت‌گرایی در

قالب تقابل اسلام/ کفر و نور/ ظلمت ادامه دارد. تقابل خیر و شر بر اندیشه روشنفکران دینی همچون دکتر علی شریعتی تأثیرگذار است. او با تحلیلی مبتنی بر جامعه شناسی، تاریخ را عرصه تقابل خیر و شر می‌داند. مطابق این تحلیل جریان تقابل خیر/ شر ابتدا در قالب هاییل/ قابیل ظهور می‌یابد و به همین ترتیب تقابل حسین/ یزید در کربلا ادامه این روند تاریخی خیر/ شر است. گفتمان روشنفکری دینی، تقابل خمینی(ره)/ شاه را ادامه این روند تاریخی خیر/ شر می‌داند که پیروزی قطعی این تقابل از آن جبهه خیر است. در گفتمان روشنفکری دینی روندگان طریق خیر را حسینی و روندگان راه شر را یزیدی می‌نامند. این گفتمان نقش ممتازی در پیروزی انقلاب اسلامی داشت. فیصله و پایان این تقابل، شهادت و یا پیروزی است که در هر صورت به وحدت‌گرایی مستضعفین (بندگان پیروز خدا) می‌انجامد. این گفتمان ثنویت‌گرا در عرصه جنگ آینده به منزله گفتمانی هویت‌بخش به رزمندگان به‌عنوان کارگزاران صحنه رزم انگیزه مواجهه و تلاش برای رزم را می‌دهد.

### ۸-۲. توحیدگرایی

در شاهنامه فردوسی رستم پیوسته به درگاه الهی پناه می‌برد و از او استمداد می‌طلبد، سیاوش در جدال با نفس به خدا می‌گریزد، کیخسرو برای رسیدن به آن نور پادشاهی را رها می‌کند و به جهان معنا وارد می‌شود. بنابراین غلبه گفتمان توحیدگرا در تاریخ اسطوره‌ای ایران کاملاً عیان است. هستی در این گفتمان تجلی صفات حضرت باری است. «عالم» نیز به معنای کتاب مبسوطی است که صفحات آن مملو از کلمات نگارنده آن است و درست همانند متن وحیانی مورد نظر در آن سنت، دارای سطوح چندگانه معنایی است (نصر، ۱۳۸۰: ۱۵۹). احترام ایرانیان باستان به آتش برخلاف تصور بسیاری از تاریخ‌نگاران بیانگر پرستش آتش از سوی ایرانیان نبوده است، بلکه بیانگر نگاه رمزآلود و نشانه شناخت ایرانی‌گری به عنصر موحد بودن و تفکر توحیدی بوده است؛ چرا که آتش در نظر ایرانیان قبل از اسلام هم تولیدکننده نور بوده و هم جهت حرکت آن به سمت بالا بوده و هم آتش و نور نشانه‌های فداکاری به منظور تولید گرما بوده‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۶۴: ۴۸).

اشعار شاهنامه مملو از برداشت‌های حماسی و خداپرستی ایرانیان است. در گزیده‌هایی از اشعار شاهنامه به این خصلت اشاره می‌گردد که هر پادشاهی به قدرت می‌رسیده اول بر اعتقاد به خدا تأکید داشته است.

به هر جای پیروز و فرمانروا  
به داد و دهش تنگ بسته کمر

که در هفت کشور منم پادشاه  
به فرمان یزدان پیروزگر

تمام توصیف‌های فلاسفه، دین‌پژوهان و اشعار شاعران این کهن‌بوم به‌ویژه بعد از طلوع فجر اسلام حتی در ادبیات غنایی بر پایهٔ گفتمان توحیدگرایی صورت‌بندی شده است. حتی جهان خلقت و عناصر آن در حکم و سائطی هستند که انسان را به حقیقتی متعالی رهنمون می‌شوند و آن توحیدگرایی است. توحیدگرایی روح حاکم بر عمل رزمندهٔ ایرانی بعد از ظهور اسلام نیز بوده است. شعار «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» بر تمامی صحنه‌های رزم اسلام سایه افکنده و توحیدگرایی رزمندهٔ ایرانی ملازم با حذف تمامی صحنه‌ها و مظاهر شرک آلود عرصهٔ اجتماعی حیات بشر است. لذا گفتمان توحیدگرا انگیزه و انرژی لازم برای تداوم مبارزه را به رزمندهٔ ایرانی در جنگ آینده می‌دهد. این گفتمان هم ریشه در هویت ایرانی دارد و هم هستهٔ اصلی گفتمان هویتی اسلامی است. توحیدگرایی نقطهٔ تلاقی این دو گفتمان است و لذا هم از اصالت برخوردار است و هم قدرت مطلوب برای مواجهه با غیریت مقابل آن را دارد.

### ۸-۳. ایثارگری و شهادت‌طلبی

فردوسی اعمال زشتی چون پیش‌دستی در جنگ، کین‌جویی، خونریزی، و تزویر را به غیر ایرانیان نسبت می‌دهد و ایرانیان را مردمان صلح‌دوست و نیکو سرشتی می‌نماید که تنها برای دفاع و احقاق حق یا گرفتن کین شاهان دست به شمشیر می‌برند (صفا، ۱۳۶۱: ۲۵۲). ایرانیان برای دفاع و احقاق حق تا مرز شهادت پیش می‌روند. اقبال عمومی به ایثار و شهادت در راه عقیده نقش تعیین‌کننده‌ای در تبدیل ایثارگری به یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در هویت رزمندهٔ ایرانی داشته است. اصولاً پهلوانی بدون داشتن صفت ایثار و طبع شهادت‌طلب واژه‌ای نامفهوم است.

شهادت‌طلبی در مذهب تشیع که کانون اصلی آن ایران اسلامی است نقش متمایزی در هویت‌سازی رزمندهٔ ایرانی داشته است. اساس مذهب تشیع توحیدگرایی، عدالت‌طلبی، پیروی از امام معصوم (ع) و دفاع از عقیده تا مرز شهادت است. بر اساس آموزه‌های قرآنی هر که در راه عقیدهٔ اسلامی کشته شود، شهید محسوب می‌گردد و به رضایت و لقاءالله می‌رسد.

از این‌رو، در دوران جنگ تحمیلی نیز ایثار و شهادت‌طلبی انگیزه‌ای نیرومند به رزمندگان ایرانی جهت ادامهٔ دفاع مقدس عطا می‌نمود؛ لذا شهادت‌طلبی و روحیهٔ

ایثارگری از مفاهیم بنیادی هویت‌سازی است که انگیزه لازم را برای دفاع رزمندگان ایرانی در جنگ آینده فراهم می‌نماید.

#### ۴-۸. معاداندیشی

معاد اندیشی در قالب باور به مبدأ هستی دال مرکزی گفتمان رزم ایرانی است. پهلوان رزمنده، زنده جاوید و شهید شاهد است و هرگز نمی‌میرد. رزمنده ایرانی به احدالحسین می‌اندیشد که یکی از این دو سرانجام نیک معاد و ملاقات با خدای جاوید است. رزمنده ایرانی در این گفتمان معاد اندیش به مقام قرب رضای الهی می‌رسد. تحلیل محتوای وصیت‌نامه‌های شهدای هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران مملو از ادبیات معاد اندیش است که انگیزه‌ای فوق‌العاده به رزمنده ایرانی برای ادامه مبارزه می‌دهد.

معاد اندیشی هماهنگی آشکاری با عدالت‌خواهی ایرانیان قبل و بعد از اسلام دارد. بدون کلیدواژه «معاد» اصولاً گفتمان ایثارگری و شهادت‌طلبی با بن‌بست مواجه می‌گردد و خلاء هویتی رزمنده ایرانی با هیچ داده‌ای پر نمی‌گردد.

اسطوره‌ها در تاریخ ایران همواره با مرگ قهرمان خاتمه می‌یابد و این مرگ قهرمانانه ماندگاری قهرمان را در تاریخ تضمین می‌کند. آرش کمانگیر، مظهری از این قهرمانان است که آگاهانه جان خود را در کمان ماندگاری میهن می‌گذارد و در بازگشت به معبود جاودانه می‌گردد.

#### ۵-۸. پهلوانی رزمندگان

شاهنامه فردوسی متنی آرمانی برای معرفی پهلوان رزمنده ایرانی است. فردوسی پس از نشان دادن خاستگاه شخصیت و هنر کم‌مقدار دشمنان ایران، پهلوانان ایرانی را صاحب مقامی بلند، شجاع، متمدن و زیبا نژاد معرفی می‌کند. مثلاً فردوسی از بزرگ پهلوان ایرانی رستم یاد می‌کند به گفته شاهنامه، هیچ‌کس را یارای برابری با او نبود و او سرآمد اسفندیار، گیو، فرامرز، سهراب و بیژن بود که هر یک با لشگری از نیروهای توران و تازیان و رومیان برابری می‌کردند. فردوسی معتقد است که پهلوانان ایرانی همواره پیروز میدان هستند. مگر آنکه رقیب به جادو متوسل شود یا پهلوان ایرانی از شاه نافرمانی کند، فقط در این مواقع است که پهلوان ایرانی بر خاک می‌افتد. پهلوانان ایرانی شاهنامه با وجود اینکه در میدان نبرد سختگیر و خونریز هستند، رحیم و رئوف‌اند و در نهایت قدرت و زور همواره به خداوند توکل و تکیه می‌کنند (نصری، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

در میدان‌های جنگ شاهنامه غوغای عجیبی برپاست، دلیران گردنکش به جان هم می‌افتند، مبارزان در ستیز و ستوران به جست و خیزند، توده‌های عظیم اسلحه بر هم می‌خورد، چکاچک تیغ و سنان گوش فلک را کر می‌کند، نعره‌های تهمتنان زمین را به لرزه می‌افکند، از سم ستوران زمین شش و آسمان هشت می‌شود، از کشته‌ها پشته‌ها پدید می‌آید، نهیب گریز و تیغ پهلوانان قلب و جناحین سپاه خصم را به هم درمی‌افکند، تیر چون باران بر سر دشمن فرو می‌بارد و کار به جایی می‌رسد که مرغ را نیروی پرواز بر فراز میدان نمی‌ماند (صفا، ۱۳۶۱: ۲۳۲).

فردوسی به تفصیل توضیح می‌دهد که چگونه سپاه توران از جیحون عبور کرده و به ایران هجوم می‌آورند. مکان اغلب جنگ‌های شاهنامه نواحی شرق و شمال شرق ایران است. مختصات دقیق جغرافیای نبرد و عده و عده سپاهیان طرفین ذکر می‌گردد. اعتماد به نفس و سعه صدر سپاهیان ایران و وفاداری آنان به میهن نکته‌ای شایان توجه در مبحث هویت‌سازی است. به گفته فردوسی همه لشکریان از روی میل و ایمان درفش کاویانی را علم می‌کردند و همه پهلوانان از شکست در قبال سپاه دشمن ننگ داشتند.

آنچه که به‌طور خلاصه درباره خصلت پهلوانی رزم ایرانی می‌توان متصور شد، این است که این امر همواره نمودهای عینی و ذهنی داشته است. خصلت پهلوانی رزم ایرانی گاه به شکل بیانیۀ علمی در قالب شاهنامه و گاه به شکل حماسه مانند دفاع مقدس نمود عینی می‌یابد. اخلاق‌گرایی دیگر ویژگی خصلت پهلوانی رزم‌نده ایرانی است. رستم نمادی از این رزم‌نده اخلاق‌گرا به حساب می‌آید. گزارش‌های متواتری از پرهیز هواپیماهای ایرانی از بمباران مراکز تجمع جمعیت در عراق به خاطر همین خصلت‌های پهلوانی در دسترس است.

#### ۸-۶. عشق به فداکاری برای میهن

اسطوره آرش کمانگیر و تاریخ ایران متضمن چند ارزش معنایی است. اول، تعیین حدود و ثغور جغرافیایی ایران که قبلاً تحلیل گردید، دوم توحیدگرایی و معاد اندیشی که انگیزه لازم را برای نثار جان فراهم می‌نماید و سوم عشق به فداکاری برای میهن که آرش در این خودکشی میهن‌خواهانه جان فدای میهن می‌نماید. ایات دوران دفاع مقدس نیز مآل مال از واژگان و جملات عشق به فداکاری برای میهن است. پایداری اهالی خرمشهر و نیروهای نظامی بدون پشتیبانی لجستیکی در مقابل حملات عراق حکایتی دیگر از این میهن‌دوستی ایرانیان در تاریخ معاصر است.

### ۹. نتیجه گیری

این پژوهش در تکاپوی پاسخ به پرسش ذیل بود:  
نقش هویت در صورت بندی الگوی رزم ایرانی چیست؟  
در پاسخ به این پرسش، گفتمان هویتی ایرانی، گفتمان هویتی اسلامی و گفتمان هویتی غرب تبیین گردید. مطابق جدول زیر مؤلفه های گفتمانی هویت ایرانی و هویت اسلامی با یکدیگر تلفیق می گردد:

جدول شماره ۱: تلفیق مؤلفه های گفتمانی هویت ایرانی و اسلامی

مؤلفه های هویتی اسلامی	مؤلفه های هویت ایرانی	توحید گرایی	ایثارگری و شهادت طلبی	معاداندیشی	تقابل حق و باطل
اسطوره های ایرانی	اسطوره های ایرانی	رزمنده ایرانی توحیدگرا و یکتا پرست است و همواره از خدا کمک می طلبد.	در تاریخ اسطوره ایرانی پایان رزم منجر به شهادت ایثارگرانه پهلوان ایرانی می گردد.	رزمنده ایرانی آخرت گرا و معاداندیش است.	صحنه رزم ایرانی میدان جدال نور و ظلمت و یا حق و باطل است.
میراث کهن فرهنگی	میراث کهن فرهنگی	رزمنده ایرانی یکتا پرست و آزاد از بندگی غیر خدا است.	رزمنده ایرانی برای حفظ حریت خود و آزادی میهن از ایثار جان و طلب شهادت دریغ نمی ورزد.	باور به معاد و بازگشت به خدا به روح آزادی رزمنده ایرانی خصلت جاودانه می بخشد.	رزمنده ایرانی آزادگی و حریت را حقیقت جبهه حق می داند که فرجام مبارزه برای آن پیروزی است.
پدیده دولت ایرانی	پدیده دولت ایرانی	توحیدگرایی و یکتا پرستی و بزرگی انکارناپذیر پدیده دولت در ایران است.	شهادت و ایثار جان در دولت عدالت محور شیعی امری ممدوح و خداپسند است.	پدیده دولت در ایران شیعی همواره ملازم با امامت اندیشی و ولایت مداری است.	صحنه رزم دولت ایرانی همواره بر بنیاد باور به مبارزه نور و ظلمت نهاده شده است.
جغرافیای سرزمین	جغرافیای سرزمین	در جغرافیای سرزمین ایران باور به خدای یکتا از یک خصلت تاریخی برخوردار است.	—	در جغرافیای سرزمین ایران معاد اندیشی از یک خصلت تاریخی برخوردار است.	رزم در جغرافیای سرزمین ایران همواره بر بنیاد تقابل خیر و شر بوده است.

زبان فارسی به عنوان نرم افزار ارتباطی رزمندگان ایرانی عاملی برای انتقال فرهنگ معاد اندیشی است.	زبان فارسی نرم افزای فرهنگی برای انتقال فرهنگ ایثار شهادت به نسل‌های ایرانی است.	زبان فارسی عاملی فرهنگی در انتقال فرهنگ یکتاپرستی در حیات تاریخی ملت ایران است.	زبان فارسی
---	---	---	------------

از تلفیق مؤلفه‌های هویت ایرانی و هویت اسلامی در نمودار فوق ۱۸ گزاره که مبین خصلت‌های رزم ایرانی است، استنتاج می‌گردد.

مؤلفه‌هایی که بر خصلت‌های رزم ایرانی دلالت دارد به مثابه یک گفتمان هویتی است که گفتمان هویتی غرب را به‌عنوان دگر هویتی خود تعریف می‌نماید. از این منظر تقابل گفتمانی در جنگ آینده از اهمیت برخوردار می‌گردد. این تقابل گفتمانی از ویژگی ذاتی نرم بودن برخوردار است. جنگ آینده بر محور رویارویی تجهیزاتی و تقابل سخت افزاری و نرم گفتمانی استوار است.

داده‌های تاریخی بر این گزاره دلالت دارد که در تقابل نرم گفتمانی و هویتی تاکنون ایران اسلامی امکان بقا و پیروزی داشته است. به‌عنوان مثال تهاجم اعراب به لحاظ سخت افزاری سنگین بود، اما ایرانیان با دریافت گوهر دین اسلام از هویت قبیله‌ای اعراب فاصله خود را حفظ نمودند؛ در زیست مسلمانی خود نیز با غلبه گفتمانی بر اعراب هم هویت فرهنگی و زبان فارسی را حفظ نمودند و هم آداب حکمرانی را به خلفای عباسی آموزش دادند.

مثال دیگر، تهاجم ویرانگر مغول بود که علی‌رغم غلبه سخت‌افزاری باز هم پیروز میدان تقابل گفتمانی، گفتمان هویتی ایرانی - اسلامی بود.

گسست از وضع فوق در صحنه جنگ آینده مطلوب نیست، لذا به بازتولید خصلت‌های رزم ایرانی که از ویژگی هویتی و فرهنگی برخوردار است، به شدت نیازمندیم. در این تقابل گفتمانی به نظم خودانگیخته شهروندان مؤمن و جامعه‌ای توسعه‌یافته نیاز است. در سایه جامعه توسعه‌یافته، شهروندان مؤمن و خردورز و تداوم مدیریت ایرانی - اسلامی است که امکان غلبه گفتمانی و در نهایت پیروزی قطعی متصور است.

جنگ آینده از ویژگی گستردگی و شبکه‌ای بودن برخوردار است و به تمام صحنه‌های جامعه گسترش می‌یابد. اصولاً سازمان ارتش منسجم‌ترین سامانه مدرن است و یکی از اجزا این شبکه محسوب می‌شود. با اتنا بر ساختارهای غیرفرهنگی همچون وضعیت اقلیمی و جغرافیایی ایران، ژئوپلیتیک این سرزمین با ویژگی در خطر دائمی و تهاجم بودن، و همچنین ساختارهای فرهنگی - روانی به خاطر زیست درازمدت و داشتن تاریخ کهن، هویت‌یابی در آن امری ممکن است. این هویت تاریخی - ملی اصلی‌ترین ابزار خودآگاهی ملی است، سازمان ارتش از این خودآگاهی ملی می‌تواند به خودآگاهی سازمانی نایل گردد. گفتمان سپاهی‌گری مدرن از یک سری عناصر مقوم همچون نظم، سلسله‌مراتب، اطاعت‌ورزی مفصل‌بندی گردیده است. این عناصر از مقومات گفتمان هویت ملی ایرانیان نیز می‌باشد. در نظامی‌گری مدرن بیش از اعتقاد و اندیشه به اعمال و رسوم توجه می‌شود. در جنگ‌های آینده اگر عناصر مقوم هویت اسلامی - ملی به اعتقاد و اندیشه نظامیان تبدیل گردد، گسستی از وضعیت موجود برای حصول وضعیت مطلوب به وقوع پیوسته است. در سامانه دانایی جدید ذهنیت افراد، ارتباطات جمعی و روابط قدرت شکل می‌گیرد. در جنگ مدرن سازمان ارتش دارای پیوند مکانیکی است و در سامانه دانایی جدید ارتش به پیوند ارگانیکی تحول می‌یابد. این گسست معرفت‌شناسانه از وضعیت جنگ مدرن به جنگ‌های آینده مناسب با دشواره جدید جنگ نوین است.

در سامانه جدید دانایی راهی برای حجیت عقل در کنار مفروض اطاعت‌محوری در سامانه دانایی جنگ مدرن می‌یابیم و این طرح و تمهیدی برای برون رفت از وضعیت پیشین است.



## منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵): *اندیشه ترقی و حکومت قانون*، تهران: خوارزمی.
- اخوان‌مفرد، حمید (۱۳۸۱): *ایدئولوژی انقلاب ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- اندیشگاه شریف (۱۳۸۸): *پارادایم‌های حاکم بر جنگ آینده*، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸): *دولت و جامعه مدنی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۳): *جستاری چند در فرهنگ ایران*، تهران: فکر روز.
- جویاگی، زد (۱۳۸۵): *عملیات تأثیر محور*، ترجمه سهراب سوری، تهران: دانشگاه امام حسین.
- خدایار، ابراهیم (۱۳۸۴): *غریبه‌های آشنا*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲): *مشکله هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر یک تمدن و چندفرهنگ*، تهران: نی.
- رضایی‌راد، محمد (۱۳۷۸): *مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی*، تهران: طرح نو.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۴۳): *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- ستاری، جلال (۱۳۷۶): *آیین و اسطوره در تئاتر*، تهران: توس.
- سعید، بابی (۱۳۷۹): *هراس بنیادین*، ترجمه جمشیدیه و عنبری، تهران: دانشگاه تهران.
- شریعتی، علی (۱۳۵۹): *تشیع علوی تشیع صفوی*، تهران: حسینیه ارشاد.
- شیرازی، میرزاابوالحسن خان ایلچی (۱۳۶۴): *حیرت‌نامه (سفرنامه ابوالحسن خان ایلچی به لندن)*، به کوشش حسن مرسل‌وند، تهران: نشر رسا.
- *صحیفه نور* (۱۳۷۱): مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌های امام خمینی (ره)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صفا، ذبیح‌اله (۱۳۶۱): *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: امیرکبیر.
- عبدالهیان، حمید (۱۳۸۸): «تحلیل روایت‌گری صمد، یکی از رموز پدیدار شناختی رزم ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۰، ش ۱، صص ۳-۳۱.
- عنایت، حمید (۱۳۵۳): *نهادها و اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: جزوه درسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- فرای، ریچارد (۱۳۶۳): *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات سروش.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۸۷): *شاهنامه فردوسی*، مشهد: نیکا.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۴): «بنیادهای جغرافیایی فرهنگ ایرانی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، س ۸، ش ۲۷، صص ۸۶-۱۱۱.
- گاتلیب، آنتونی (۱۳۸۴): *تاریخ فلسفه غرب از یونان باستان تا رنسانس*، ترجمه لی لا‌سازگار، تهران: ققنوس.
- مجتبیایی، فتح‌الله (۱۳۵۲): *شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران*، تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.
- محمدنژاد، عباس (۱۳۸۸): «جنگ در فضای مجازی»، *روزنامه جام‌جم*، س ۱۰، ش ۲۶۷۵، شنبه ۱۱ مهر.
- معین، محمد (۱۳۶۰): *فرهنگ فارسی*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

- موقفی، سیداحمد (۱۳۷۳): *علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین*، قم: فرهنگ اسلامی.
- ----- (۱۳۷۸): *استراتژی وحدت در جهان اسلام*، تهران: سمت.
- میرسپاسی، علی (۱۳۷۷): «بحران سیاست غیردینی و ظهور اسلام سیاسی در ایران»، ترجمه معصومه خالقی، *نامه پژوهش*، س ۳، ش ۱۰ و ۱۱، صص ۹۱-۱۲۹.
- ----- (۱۳۸۶): *روشنفکران ایران: روایت‌های یاس و امید*، ترجمه عباس منخبر، تهران: توسعه.
- نامه دفاع (۱۳۸۶): «ایران و آمریکا در بستر تعاملات نرم‌افزاری قدرت و امنیت»، ش ۲، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۰): *معرفت و امر قدسی*، ترجمه فرزاد حاجی میرزائی، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- نصری، قدیر (۱۳۸۲): «نظریه توانش زبانی چامسکی و نظریه توانش ارتباطی هابرماس»، تهران: *پل فیروزه*، ش ۱۱، صص ۸۳-۱۰۹.
- نقوی، علی محمد (۱۳۶۱): *جامعه‌شناسی غرب‌گرایی*، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۸): *پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- هالوگ، ورنر (۱۳۸۵): *در باب جنگ کلاوزویتس*، ترجمه محمدعلی کریمی و حسن درگاهی، تهران: دانشگاه امام حسین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی  
 ۱۲۶